
چرا سفر می کنید؟

گفت و گوی

سیروس علی نژاد

با:

همایون صنعتی زاده

هوشنگ دولت آبادی

محمد علی موحد

ایران درودی

جمشید گیونا شویلی

ایرج افشار

منوچهر ستوده

نصرالله کسرائیان

عبدالرحمان عمادی

امیر کاشفی

منوچهر صانعی



فهرست

۷	یادداشت
۱۱	مقدمه
۲۷	گفت و گو با ایرج افشار سفر برای ارضای فضولی های بیش از حد آرزومند آوارگی به دشت و بیابان
۴۷	گفت و گو با همایون صنعتی زاده سفرکردن به قصد جست و جوی ریشه های فرهنگی
۶۵	گفت و گو با دکتر هوشنگ دولت آبادی سفر برای دیدن جاهای تازه، آدم های تازه
۷۹	گفت و گو با دکتر منوچهر ستوده تسلیم نشدن در برابر مرگ!
۱۰۵	گفت و گو با نصرالله کسرائیان ابن بطوطه گزارش گر صادق زمانه خویش
۱۲۵	گفت و گو با دکتر محمدعلی موحد سفری برای یافتن ریشه وازگان
۱۴۳	گفت و گو با عبدالرحمان عمادی به خاطر آدم ها سفر می کنم
۱۵۵	گفت و گو با ایران درودی تورست، اگر نتواند عکس هم بگیرد، بیاید این جا چه کند؟
۱۶۹	گفت و گو با امیر کاشفی ما بیش تر در فضای فرهنگی ایران
۱۸۳	گفت و گو با جمشید گیوناشویلی به سر برده ایم

- | | | |
|-----|-------------------------|------------------------------------------|
| ۲۰۱ | گفت‌وگو با منوچهر صانعی | تهراتی که ویرانش کردیم |
| ۲۱۵ | | آقا ماکه روی ظل السلطان را هم سفید کردیم |
| ۲۲۳ | | باغات و محلات شمیران |
| ۲۳۱ | | نقشه شاه برای تصاحب باغ و ترفند ملک |
| ۲۴۱ | | از دژ آشوب‌گران تا دودکش ضرابخانه |
| ۲۵۳ | سیروس علی‌نژاد | کابل، ویرانه پرامید |

مقدمه

از سفر تا صنعت جهانگردی

«گفت: ای ملک جوان بخت، سندباد بحری ماجرای سفر پنجم را حدیث گفتن آغاز کرده، گفت ای یاران، بدانید که چون من از سفر چهارم بازگشتم، به عیش و نوش بنشستم و آنچه که بر من روی داده بود فراموش کردم. روزی از روزها، هوای سفر بر سرم افتاده، تفرج شهرها و جزیره‌ها را شوق‌مند شدم و دامن همت بر میان زدم و بضاعت گران‌قیمت که مناسب سفر دریا باشد خریده، بار بستم و از شهر بغداد روی به بصره نهادم و در آن‌جا کشتی بلند و وسیع خریده، ناخدا و عمله از برای خود مزدور گرفتم و غلامان و خادمان خود را بر او گماشته، بارها بر او بگذاشتم و جمعی از بازرگانان نیز، مکان از من کرایه کرده، بار بر آن کشتی آورده، در کشتی بنشستند. در غایت شادی و انبساط روان شدیم و از جزیره‌ای به جزیره‌ای و از دریایی به دریایی می‌گذشتیم و شهرها و جزیره‌ها تفرج کرده و بیع و شری همی‌کردیم تا این‌که...»

هزار و یک شب در این بند از حکایت سفر سندباد، مقاصد سفرهای دنیای قدیم را تصویر کرده است. مقصود سندباد از سفر، تفرج شهرها و دیدن عجایب و غرایب و تجارت یا خرید و فروش کالا و کسب مال و ثروت